همایش فدائیان خلق

جشن ۳۲مین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق

شنبه اول ماه مارس در شهر بن پایتخت سابق آلمان فدرال جشن مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران با حضور صدهاتن برگزار گردید.

در سالگرد حماسه سیاهکل به دعوت ستاد برگزاری جشن مرکزی سازمان دوستداران جنبش فدائی گرد هم آمدند تا بر پیوند انسانی و آزادی‌خواهانه فدائیان خلق با مردم کشورشان، ایران، بار دیگر تاکید کنند. جشنهای سالگرد جنبش فدائی در همه سالهای تبعید از همبستگی عمیق فدائیان با مردم ایران برای برپاساختن ایرانی آزاد و آباد خبر می‌دهد.

در بخش اول مراسم جشن، مانند چند سال اخیر، گفتگوی سیاسی با رهبران سازمان بر پا شد. با توجه به وضعیت سیاسی ماههای گذشته موضوع اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی موضوع اصلی و محور گفتگوی مسئولین سازمان با حاضرین بود. رفقا علی پورنقوی، مهدی فتاپور و فریدون احمدی که در دوره جاری فعالیت سازمان، در هدایت سیاسی سازمان نقش جدی ایفا می‌کنند به تشریح دیدگاه‌های حاکم بر ارگان رهبری سازمان پرداختند. (متن کامل سخنرانی رفقا در همین شماره کار درج شده است) پس از سخنرانی رفقا برخی از حاضرین سئوالاتی پیرامون مواضع سازمان مطرح کردند. علاوه بر پرسش‌های کتبی چند نفر از شرکت‌کنندگان امکان یافتند مواضع سیاسی‌اشان را برای حضار اعلام نمایند.

بخش دوم مراسم با یاد رفیق حسین جورشری آغاز شد. روزهای اندکی پس از مرگ رفیق حسین، مجری برنامه با یاد وی از حضار خواست به احترام وی و دیگر جان‌باختگان جنبش فدائی از جای برخیزند. برای بسیاری از ما که شنیده بودیم حسین آرزوی دیدار با یاران خود در این جشن را با دوستانش در میان گذاشته بود سکوت فقط افسوس بود. یاد حسین با ماست.

بیش از آغاز برنامه‌های هنری به فرازهایی از تاریخ فدائی اشاره شد. مجری خواند: پایبندی ما فدائیان به آرزوهای دیروز در تفکر و روش نو علت وجودی ماست. این همه تلاش و رنج برای آن است که پرچم سعادت و رفاه و عدالت اجتماعی در ایران در اهتزاز بماند. در خلال برنامه‌های هنری پیامهایی که از سوی احزاب سیاسی برای رهبری سازمان فرستاده شده بود، خوانده شد. متن پیام حزب کمونیست فرانسه از این جمله بود.

در بخش هنری برنامه ابتدا رامتین ایرانی بود که تا پاسی از شب با ادامه شادی و سرور حضار همراهی می‌کرد.

مهناز روشن که برای اولین بار در این جشن‌ها شرکت کرده بود، شاهد استقبال حضار از هنرنمایی خود شد. گروه آذری علاوه بر آذری‌های حاضر در سالن بقیه رانیز به وجد آوردند. در ادامه دکتر اسکندر آبادی مانند همیشه توانائی خود را در اجرای نواهای مختلف ایرانی نشان داد. سپس مهرداد هدایتی ترانه‌های لری و مسعود محمدی ترانه‌های کردی و گروه بندری با اجرای موسیقی بوشهری، به هنرنمائی پرداختند. پایانبخش برنامه رامتین بود که تا پاسی از شب با ادامه شادی و سرور حضار همراهی می‌کرد.

سخنرانی رفیق علی پورنقوی در مراسم جشن سالگرد

مسئولان جشن به درستی موضوع اتحادها را به عنوان تم مرکزی جشن و این گفتگو انتخاب کرده‌اند. من بی‌آن که به تعریف اتحاد، همکاری، ائتلاف، جبهه و ایـــن‌ها بپـــردازم، صـــحبتم رابـــه ضرورت‌های عینی اتحاد محدود می‌کنم. مقدمتا باید روشن شود که تحول جامعه با کدام ضرورت‌های عینی، کدام موانع اصلی و با کدام تهدیدها مواجه است. این نکته را در ابتدای صحبتم بگویم که خبرهای رسیده در مورد انتخابات شورا حکـــایت از عـــدم استقبال مـــردم از ایـــن انتخابات دارند. نتایج این انتخابات طبعا می‌تواند این یا آن نکته در صحبت‌های مرا بی‌اعتبار کند، اما اساس آن را نه.

باری بیینیم ضرورت‌های عینی تحول جامعه‌امروز ماکدامند و تهدیدها کدام.

بیش از صد سال است که در جامعه ما حرکتی برای دستـــرسی بـــه دمـــوکراسی، آزادی و پیشرفت جریان دارد. این حرکت دائما به صورت بطئی وجود داشـــته و در مقاطع مستعددی، بـــروز آنکـــار، وسیع و توده‌گیر پیدا کرده است. انقلاب مشروطه، انـــقلاب بـــهمن، جنبش سال‌های سی، جنبش‌های مختلف صلی، روشنفکری و غیره همه پروزهای این حرکت بـــوده‌اند. اگرچه هیچ یک از این‌ها مبین مـــطالبات تمامی طبقات و گروه‌های اجتماعی ذینفع در این حرکت نبوده، اما هر یک از آن‌ها جلوه‌ای از همان حـــرکت تـــاریخی برای دموکراسی و پیشرفت بـــوده است. شش سال پیش، در جریان انتخابات ریـــاست جمهوری، ما بار دیگر شاید بروز توده‌گیر آن بودیم؛ یعنی آنـــچه کـــه نـــام جنبش ۲ خرداد را به خودگرفت. این جنبش جـــوهر هـــمان مـــطالبات تـــاریخی را در قـــالب مشـــخص‌تر اصـــلاح ســـاختار ســـیاسی جمهوری اسلامی توسط نیـــروبی از درون حکومت، به‌اصطلاح‌طلبان حکـــومتی، از طـــریق‌مســـالمت‌آمیز و در چـــارچـــوب قانون‌کانالیزه کـــرد. امـــا اکـــنون، پس از ۶ سال، به علت تناقض‌ها و تزلزل‌های خـــود این نیرو، حصارکردن خـــود در چـــارچـــوب قانونی‌که مفسران اصـــلی‌اش از مخالفان سرسخت حرکت بودهاند، و نـــیز بـــه علـــت تـــفاوت نـــیروهای ضـــداصـــلاحات، ســـیاست‌ها و روش‌های متخذه تـــوسط اصـــلاح‌طلبان بـــوده‌اند، و نـــیز بـــه علـــت مـــتفاوت نـــیروهای ضـــداصـــلاحات، ســـیاست‌ها و روش‌های متخذه تـــوسط اصـــلاح‌طلبان حکـــومتی بـــه شکـــست انجامیده و جنبش ۲ خرداد از پـــیش‌روی بـــازمانده است. پـــروژه اصـــلاح‌طلبان حکومتی، یعنی مردسالاری دینی عـــدم انکاشن را نشان داده است.

در سوی دیگرحـــاکمیت هم مـــا بـــا نـــیروهای تـــمامیتگرای ضـــداصـــلاحات روبرو هستیم که اگرچه دست بـــالا را در قدرت سیاسی دارند اما به شدت در میان مردم متزوی شده‌اند. مجموعه رونـــدهای پیش‌رفته این نیـــروها را نـــیز در بـــن‌بستی قـــرار داده است کـــه خـــروج از آن و دستزدن به هر ابتکار توسط آنان تنها به یکی از این دو طریق ممکن است: یـــا توسل بـــه ســـرکوب خشـــن و وسیع و یـــا عقب‌نشینی‌های بزرگ.

این وضعیت در حاکمیت توام است بـــا مطالبات انباشته شده مردم و رویگردانـــی آنـــان از حـــاکـــمیت بـــه طـــور کـــلی و نـــاامیدی‌شان از اصلاح‌طلبان حکـــومتی. مـــردم در جـــستجوی بدیلی بـــرای ایـــن وضـــع‌انـــد. مـــی‌توان گـــفت کـــه پـــروژه مردمسالاری دینی شکست خـــورده است و پروژه سلطنت‌طلبان هم، که مدعی ارائه یک بـــدیل هســـتند، در جـــامعه مـــا بـــه آزمایش گذاشته شده است؛ آزمایشی کـــه خود مسبب انقلاب بـــهمن شـــد. بـــنابراین برآمد نیروبی که بتواند مبین خـــواست تاریخی مردم، برای دموکراســـی، آزادی و پـــیشرفت باشد، لازم است. شاخص‌های این نیرو دموکراتیسم، جمهوری‌خواهـــی و تـــجددا ســـت. امـــا واقـــعیت ایـــن اســـت کـــه نـــیروهای جـــمهوری‌خواه دمـــوکرات در کشور ماپیشدت پراکندهاند.

حـــال نگـــاهی بـــه بـــیرون از ایـــران بیاندازیم:

بیـــشتر از صـــد و پنجاه هـــزار نـــیروی نظامی آمریکادر پشت دروازه‌های عـــراق ایستاده‌اند. اکنون معنای حـــرف بـــوش کـــه عراق، ایران وکره‌شمالی را عناصر محـــور شرارت نامید، و ایجاد این حرف روشن‌تر شده است. تصمیم هیات حاکمه آمریکا با عراق قطعی است و مدت‌هاست کـــه اخـــذ شده است. اگر مساله عراق به نحوی کـــه آمریکا می‌خواهد حل شود، طبعا نـــقش و نفوذ آن در منطقه افزایش خواهد یـــافت و حـــلقه‌محـــاصره‌اش بـــه دور ایـــران تـــنگتر خواهد شد. قـــابل پیش‌بینی است کـــه در چـــنین صـــورتی ایـــران در دستور مـــقدم ســـیاست خارجی آمریکا قرار گـــیرد. بـــند و بـــست آمـــریکا بـــا تـــمامیت‌خواهـــان، کـــه بـــه قـــیمت جراح منافع ملی مـــا تـــمام خـــواهـــد شد، اقدام آمـــریکا بـــرای آلـــترناتیوسازی مـــطلوب خـــود در بـــرای مـــا، و حـــتی یک اقدام نظامی یا عـــراقب بـــسیار خـــطیر آن، هیچ یک از این‌ها منتفی نیســـت و ایـــن یک تهدید واقعی پـــیش روی جـــامعه مـــاست. مقابله با ایـــن تـــهدید نـــیز یکـــی دیگـــر از ضرورت‌های عینی اتحاد است.

در برابر این وضع دو موضع انحرافی از هم‌اکنون قابل‌رد گیری‌اند. موضعی کـــه مبارزه عـــلیه رژیـــم فـــاشتی را در بـــرابـــر تهدید آمریکا به فـــراموشی مـــی‌سپارد و دیگری موضعی که ایـــن تـــهدید را نـــادیده می‌گیرد و مبارزه عـــلیه رژیـــم فـــاشتی را مطلق می‌کند.

مبارزه برای تحول دموکراتیک جـــامعه مـــا، بـــرای نـــفی ولایت فـــقیه از ســـاختار حکومتی و تغییر قانون اساسی، با مبارزه علیه تهدید آمریکا، برای تـــنش‌زدایـــی از مناسبات بین‌المللی ایران می‌توانند و باید با هم ترکیب شوند. هر یک از مواضع ذکر شده اتحادهای مورد نظر خود را ســـازمان خواهد داد. اتحاد مورد نظر اســـاس مبتنی بر این دوضرورت بایدسازمان یابد.

ضرورت تشکل و تقویت نقش سیاسی جمهوریخواهان دمکرات

مهدی فتاپور

جامعه مـــا در شـــرایط حـــساسی بـــسر می‌برد. تـــعادل نـــیروبی کـــه در درون حاکمیت شکل‌گرفته بود و بـــر اســـاس آن نیروهای محافظه‌کار قادر گـــردیده بـــودند مـــوقعیت بـــرتر خـــود را حـــفظ کـــرده، و پیشروی اصلاحات را متوقف نـــموده و عـــلیرغم رشـــد نـــارضایتی جنبش‌های توده‌ای را مـــهار ســـازند. امکـــان تـــداوم ندارد.

تـــغییرات بـــزرگی کـــه در روانشـــناسی مردم در یکـــسال اخیر رخ داده، و تـــغییرات بین‌المللی مشـــخص‌تر ســـیاست آمـــریکا در قبال ایران شرایط جدیدی را در تـــعادل نیروهای سیاسی در جامعه ما شکـــل داده. شاید نتوان با قطعیت راجع بـــه‌احـــتمالات آینده نظر داد. آیا نـــیروهای محافظه‌کـــار قـــادر خواهند شـــد نـــیروهای رادیکـــال اصـــلاح‌طلب را تـــضعیف و ســـرکوب‌کـــرده؛ و با پذیرش تـــمامی شروط آمریکا بتوافق دست یافته و یک دوره دیگر به‌حاکمیت خود ادامه دهند.

آیـــا نـــارضایتی و فشـــار تـــوده‌ای و شرایط بـــین‌المللی راه‌را بـــرای پـــیشروی اصلاحات و ســـمتگیری جامعه مـــا بـــسوی دمکراسی باز خواهد کرد. و یـــا اینـــکه بـــه اتکا فشار خارجی، قیام توده‌ای و یا به هر شکل دیگر قـــدرت ســـیاسی بـــطور کـــامل جابجا خواهد شد. طبیعتا می‌توان راجع به هر یک از شقوق فـــرق عـــوامل مـــثبت و مـــنفی را بـــرشمرد و هـــر یک از مـــا در نوشته‌ها وصحبت‌های خود در این زمـــینه نظر داده‌ایم ولی اگر بتوان راجع بـــه هـــر یک از شقوق احتمالی آینده نـــظر قـــطعی داد، می‌توان با قطعیت گفت کـــه تـــرکیب و تعادل نیروی کنونی حاکمیت امکان تـــداوم ندارد و ما در آینده نزدیک بـــا تـــحولات مهمی روبرو خواهیم بـــود و تـــا آنجا کـــه ســـمتگیری تـــحولات دمکـــراتیک مـــورد نـــظر است، تـــحولات آتـــی بـــه‌امکـــانات نـــیروهای دمکـــراتـــیک جـــامعه در تاثیرگذاری بر رونـــدها بـــستگی خـــواهـــد داشت.

شاید بتوان نقاط ضعف و یـــا قـــدرت عـــمده‌ترین و مـــوثرترین نـــیروهای تاثیرگذار بر تحولات سیاسی جامعه ما را در یک نگـــاه کـــلی چـــنین بـــرشمرد. محافظه‌کاران ارگانهای سرکوب و بـــخش بزرگی از امکانات مالی کشور را کـــنترل می‌کنند. نـــفوذ آنـــان در جـــامعه مـــداوما تـــضعیف گـــردیده و امـــروز مـــی‌توان گـــفت نظر از هشتاد و پنج در صد مردم آنان را در برابر خود می‌دانند ولی کمـــاکان نـــیروبی متشکل در اختیار دارند که آمـــاده اعـــمال خشونت و قهرسازمانیافته است.

مشروطه‌خواهان اسلامی در دو ســـال اخیر بشدت تـــضعیف گـــردیده و پـــایه‌های اجـــتماعی خـــود را از دست دادنـــد نـــتایج انـــتخابات شـــوراهـــا هـــر چـــند کـــه هـــنوز شمارش آرا پـــایان نیافته بـــروشنی ایـــن روند را منعکس می‌کند ولی کمـــاکـــان علیرغم این شکـــست‌ها در مقایسه با دیگـــر نیروهای سیاسی پر نفوذ و شاید بـــتوان گـــفت پـــرنفوذترین نـــیروی ســـیاسی جامعه‌اند. آنان با توجه به‌حضورشان در قـــدرت صـــرفنظر گـــردیده‌اند در ارگـــانهای توده‌ای نـــفوذ داشـــته و امـــکانات وســـیعی برای اشاعه ایده‌های خود و بـــسیج مـــردم در اختیار دارند. ایـــن امـــکانات آنـــان بـــه دلیـــل ابـــهام در آماجهای ســـیاسی دور و نـــزدیکشان در دو ســـال گـــذشته بـــشدت تضعیف‌گردیده.

طـــرفداران رژیـــم گـــذشته در کشـــور بـــعنوان نـــیروبی کـــه از حـــمایت آمـــریکا برخوردارند شناخته شده‌انـــد و بـــخشی از مخالفین رژیم به همین دلیل به آنان امـــید دارند. آنان می‌کوشند با مـــقایسه شـــرایط زنـــدگی در رژیـــم پـــیشین وکـــنونی بـــه ایده‌های خودمشروعیت بخشند. ســـیاستها و عـــملکردکـــنونی مـــبلغین آنـــان و نـــحوه برخورد آنان بـــارژیـــم پـــیشین نـــتوانســـته اعتماد نیروهای تحصیلکرده و آگاه جامعه را جلب نماید.

خـــواست جـــمهوری دمکـــراتیک بـــا مشخصاتی که در نوشته‌ها و صحبت‌های معتقدین به آن منعکس است، در ســـالهای اخیر در ســـطح جـــامعه‌گســـترش یـــافته و امـــروز بـــخش عـــمده تـــحصیل‌کردگان، مدیران هنرمندان و روشنفکران و خلاصه نخبگان جامعه مـــا را در بـــر مـــی‌گیرد و بـــسرعت در درون دانشـــجویان‌گســـترش می‌یابد. نیروهایی که راه پیشرفت جـــامعه ما را چنین مسیری مـــی‌دانـــند در ســـالهای گذشته در تحولات اجتماعی جـــامعه مـــا نقش مـــهمی ایفـــا کـــرده و از همـــان دوران پس از خـــمینی و دوران اول ریـــاست جمهوری رفسنجانی پابهره‌گیری از همان امکانات محدود پدیدآمده با شکل‌دادن و شرکت در دهها نهاد یا گرفته از انجمن‌های فـــارغ‌التـــحصیلان گـــرفته تـــاکـــانونهای روشنفکری و غیره و ســـازماندهی اقتـــدار میانی مدرن در شکل‌گرفتن دوم خـــرداد و تـــحولات پس از آن نـــقش تـــعیین‌کننده داشتند. متاسفانه این نیرو قـــادر نگـــردیده نقشی سیاسی متناسب بـــا نـــقش‌اجتماعی خود داشته باشد و آنجا که تاثیرگذاری بر قدرت سیاسی مطرح می‌گردد، نـــقش ایـــن نیرو برتاثیرگذاری بر تعادل دیگر نـــیروها محدود مـــانده. ضـــرورت عـــمل هـــمسو و تقویت نقش سیاسی این نیـــرو امـــروز نـــه یک امر عـــمومی و کلی مـــثبت بـــلکه یک ضرورت سیاسی است.

جریانهای سیاسی متعلق به این نـــیروی اجتماعی امروز یک طیف نیروها را در بر مـــی‌گیرد: از نـــیروهای چپ تـــا نـــیروهای

ادامه در صفحه ۷

سخنرانی رفیق فریدون احمدی

کشور ما شرایط حـــساسی را از ســـر مـــی‌گذرانـــد و جامعه در آســـتانه پـــروز تحولات و دگرگونی‌های جدی و بـــنیادی ســـیاسی واجـــتماعی است. مـــولفه‌های مـــختلف ایجادگر و نشـــانگر وقـــوع ایـــن دگرگونی‌فهرست‌وار عبارتند از:

* تـــغییرات ساختاری گســـترده‌ای در جامعه در طی چـــند دهـــه گـــذشته از نظر جـــایگاه و مـــوقعیت اجتماعی اقتشـــار و طـــبقات ایـــجاد شـــده‌است. بـــر اثـــر ایـــن تغییرات و ذهنیت‌های ناشی از آن، ایـــن مردم مشارکت در حیات سیاسی و تـــعیین سرنوشت خود را می‌طلبند دیگر استبداد فردی و نظام‌های متکی بر نفی اراده مردم را برنمی‌تابند. به بیان دیگر اکنون جامعه به نقطه موفقیتی رسیده است کـــه استقرار یک نـــظام دموکراتیک بـــه موضوع و مساله اصلی و کلیدی‌کشور تبدیل شـــده است.

* بحران دیرینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در همه ابعاد آن حـــدت و شـــدت بی‌سابقه‌ای یافته است. سخن از فرو پاشی اجـــتماعی، بن‌بست سیاسی، طـــوفان در پـــیش و غـــیره حـــتی بـــه‌رســـانه‌های مـــحافظه‌کـــار وحکـــومتی در جـــمهوری اسلامی نیز راه یافته است.

حکـــومت جـــمهوری اسلامی از نظر فلسفه سیاسی، از نظر ساختار ســـیاسی حکـــومتی، در پـــذیرانـــدن و تـــحمیل هنجارهای یک‌حکومت دین‌سالار متعلق به صـــدها و هزارهای پیش بـــه جامعه‌های ســـکولاریزه شـــده، در اداره‌کشـــور، ارائـــه چشم‌انداز امیدبخش به توده‌های مـــردم و پویژه جوانان و از نظر حـــفظ و یـــاجـــلب پشتیبانی مردم از نظام ســـیاسی خـــود، بـــا شکست قطعی و آشکار مواجه شده‌است.

*اصلاح‌طلبان حکومتی که بـــابـــرنامه و ارائـــه چشم‌انداز اصـــلاح عـــملکرد و روش‌های جاری در جمهوری اسلامی در عین حفظ ساختار ونظام ســـیاسی موجود به میدان آمدند، پـــروژه مردم‌ســـالاری دینی را ارائه‌کردند به‌بن‌بست و شکست روش رسیده‌اند.

بـــخش‌هایی از اصـــلاح‌طلبان دوم خرادی به واقعیت اصلاح‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی رسیده و آن را رســـما تاثیر عامل بین‌المللی بر روندهای سیاسی کشور افزایش تـــعیین‌کننده‌ای یـــافته‌است. در صـــورت حـــمله آمـــریکا بـــه عـــراق و استقرار نیروی نظامی این کشور در منطقه با بـــاعـــمال فشـــار مستقیم بـــر جـــمهوری اسلامی، این تاثیر افزایش خواهد یافت.

مجموعه عوامل ذکر شده موضوع و ضرورت ائتلاف و جبهه سیاسی نـــیروهای اپوزیسیون را در درجه بـــالایی از اهـــمیت قرار داده‌است. متاسفانه در ایـــن زمـــینه اپوزیسیون کارنامه خوبی نمی‌تواند ارائـــه دهد. در این زمینه توجه به موارد زیـــر را ضروری می‌دانم.

نخست بگویم وقـــتی ســـخن ائـــتلاف و جبهه است نباید آن را با همکاری سیاسی یکـــی انگـــاشت. و هـــمکاری ســـیاسی می‌تواند طیف وسیعی از اقدامات و طیف گســـترده‌ای از نیروهای سیاسی و اجتماعی را شـــامل شـــود امـــا ائـــتلاف و اتحاد و تشکیل جبهه سیاسی تـــفسیر و دگـــرگونی معین سیاسی را مـــد نـــظر و هـــدف قـــرار می‌دهد و نیروهای شکل‌دهنده آن و طیف معینی را تشکیل می‌دهند که حول برنامه و سیاست جبهه اتـــفاق نظر دارنـــد. ایـــن جبهه نمی‌تواند تنها بر اساس برنامه شکل گیرد. بلکه حد معینی از توافق سیاسی و انطباق استراتژی سیـــاسی نیز ضـــروری است وگرنه شکل‌دهی جبهه بی‌معنا بـــوده و به فرض شکل‌گیری نیز از هم خـــواهـــد پاشید. این ائتلاف و یا جبهه اگر به مثابه آلترناتیو عمل نمی‌کند اما از همان ابتدا و در مضمون در برابر جمهوری اسلامی و به عنوان بـــدیل و نـــفی‌کننده کـــلیت آن است. نـــیروهای شکل‌دهنده آن شـــایسته است مواضع روشنی در قـــبال ســـیر تحولات ســـیاسی در جـــامعه ایـــران، جـــناح‌های حکومتی و بویژه اصلاح‌طلبان حکـــومتی داشته باشند. صریح بگویم جبهه‌ای شکـــل نخواهد گرفت که یک بـــخش آن امـــیدوار به‌اصلاحات از بـــالا و از درون حکـــومت باشند و بخش‌هایی دیگر معتقد به ستـــرون و عـــقـــیم‌بودن و شکست بـــرنـــامه اصلاح‌طلبان حکومتی

– نیروی این جبهه عـــمدتا در درون و همچنین در بـــیرون کشـــور قـــرار دارنـــد و بنابراین شایسته است مواضع و شعارهای آن با حفظ مضامین در قالبی قابل طـــرح در ایـــران بازگویی و بازتدوین شوند.

– نام پیشنهادی و مناسب به نظر مـــن اتحاد برای دموکراسی و یـــا اتحاد بـــرای استقرار یک نظام دموکراتیک در کشـــور است. انتخابی‌بودن تـــمامی مســـئولیت‌های ســـیاسی در ایـــــن نـــظام یـــعنی جمهوری‌خواهی از خصیصه‌های این جبهه است اما شایسته نیست نام آن تعیین‌کننده هویت آن تنها نام‌جمهوری‌خواهی بـــاشد. در کـــدام کشـــور جـــهان بـــه نـــیروهای دموکرات خود را با نام **Republikaaner** شناسانده‌اید. این نام‌بخشا در مرزبندی بـــا ســـلطنت‌طلبان و بـــخشا در مـــرزبندی بـــا ولایت‌خواهان تحمیل شده است.

– تاکید دیگر من این است که آگـــاهی قابل اتکا ملی و برخی از همان عـــواملی که به انقلاب بهمن منجر شد و همه تجربه تلخی که بـــه بـــهایی‌گران در طـــول حـــیات جمهوری اسلامی در ذهنیت مـــردم مـــا انباشته شد، اجازه احیاء نظام سلطنتی را در کشور مـــا نمی‌دهد. نظام سلطنت در کشور ما برای همیشه پایان یـــافته است و احیاشدنی نیست. و من برخی اغراق‌هـــایی را که در این زمینه وجود دارد، در خدمت و یا نیت توجیه وضع موجود در کشـــور و یا تبلیغ و آوازه‌گری می‌دانم.

بـــرای تـــوضیح در مـــورد محورهای پـــیشنهادی بـــه عـــنوان بـــرنامه و بـــرای شکـــل‌دهی ایـــن ائـــتلاف و نـــیروهای شکـــل‌دهنده آن وقت‌کـــافی نـــیست و امیدوارم در بخش پرسش‌ها بتوان بـــه آن پاسخ گفت.